

حرف درشت

الو... از اوین زنگ می‌زنم

● **بوریا عالمی**: دیروز روی پله سوم ساختمان روزنامه شرق داشتم زیر گوشم را می‌خاراندم که یکپهو تلفن ما زنگ خورد و ما گوش‌ی را برداشتم و گفتیم: بله؟ طرف گفت: از زندان اوین تماس می‌گیرم. سریع گفتم: قطع کن من می‌گیرم عزیزم... برات هزینه می‌افته.

طرف گفت: گفتم از زندان اوین تماس می‌گیرم. گفتم: جان؟ بعد تلپ. (از پشت پست افتادم پایین). بعد هم تلپ تلپ تلپ... (که سمتا پله را یکی‌یکی قل خوردم پایین).

صدا از گوشی آمد بیرون که: چی شد عمو؟ ترسیدی؟

گوشی را رساندم به گوشم و گفتم: چیزی نیست. تهران زلزله شد. همه می‌دوند که تهران زلزله‌خیزه. صدا گفت: بین اخوی... خانه پیدا کردی یا نه؟ گفتم: آقا راستش را بگو از مشاور املاک تماس می‌گیری یا از زندان؟ گفت: زندان.

گفتم: پس چی‌کار داری که خانه پیدا کردم یا نه؟ بعد هم هرچی هست زیر سر همین سردبیر روزنامه شرق و همین مدیرمسئول روزنامه‌س. من هیچ‌کارهام. اینها من را بازی دادند. من جوان بودم و خام. اینها من را پیر کردند و پخته. من برای اینکه حسن‌نیتم را ثابت کنم باید به شما بگویم که توی روزنامه شرق موبایل خوب آنتن می‌دهد و این قضیه مشکوک است. نیست؟

صدا گفت: قریون دل‌وچرتست داداش. نه‌تهنا باید مجسمه‌ت رو ساخت، بلکه باید ازت کبی گرفت یه‌موقع کم نیای. داداش دیگه کسی نیست بخوای لو بدی که نجات پیدا کنی؟

گفتم: چرا. یه آقایی هم هست که کچل است و باقی مودار. فرم کله‌اش طوری است که از دور نگاه کنی فکر می‌کنی موشک شهاب است، ولی از جلو نگاه کنی موشک نیست و نهایتا فشنگ است. آن هم به اسم شهاب. از من می‌پرسید، به نظرم همه‌چیز زیر سر همین شهاب است، اصلا از من نشنیده بگیرید آیا می‌دانستید همین آقا یک‌بار ماست‌ها را ریخت توی قیমে‌ها و هرگز صدایش را درنیاورد؟

صدا گفت: بیین پوریا‌جان... من فقط از زندان تماس گرفتم... من هیچ‌کارهام‌ها... خودت رو کنترل کن... چرا این‌قدر بی‌جنبه‌سازی درمی‌آوری؟ آدم که نباید این‌طوری پشت این و آن صفحه بگذارد... من خودم زندانی هستم و دارم حبس می‌کنم...

گفتم: واقعا؟ گفتم: بله. گفتم: ای‌اول... شوخی کردم... خواستم ببینم می‌فهمی یا نه وگرنه من که اصلا بیدی نیستم که با یه تلفن بلرزم...

صدا گفت: آره ارواح جدوآبادت. یاد و خاطره‌شان زنده باد... حالا نمی‌خواد سکنه کنی. من از بند مالی زندان تماس می‌گیرم. راستش هرروز با بچه‌های همندم، سستون تو را می‌خوانیم. دیدیم چندروزی است دنبال پیداکردن خانه‌ای، گفتیم زنگ بز نیم حالت را بپرسیم و اگر لازم است مشکلات را حل کنیم. گفتم: ای‌اول. اگر کسی بتواند مشکل من را حل کند همین اساتیدی هستند که در بند مالی هستند. سلام من رو به همه برسون و بگو خیلی ارادت داریم و بی‌زحمت یک دوپلکس شنن خوابه‌لوکس با نهایتا یک پنت‌هاوس با جای فرود هلیکوپتر به نامم بزنند. دمشون گرم.

صدا گفت: باشه، ولی ما فکرهامان را ریختم روی هم و جای پنت‌هاوس برات پیشنهاد داریم یک اختلاسی، چیزی بگنی یا یک چک بی‌محل بکشی بیایی همین‌جا. هزینه‌هات خیلی کم میشه... فقط چون منطقه اوین‌درکه است و بلاشهره، شارژت میشه هفته‌ای ۷۰ هزار تومان.

گفتم: خسته نباشی... مردم رفیق دارند توی بند مالی، ما هم آشنا داریم. دست شما در نکنه. از شما برای ما آبی گرم نمیشه. حالا واقعا نمیشه یه دکل نفتی‌ای، چیزی به نام من بزنند؟ از این املاک نجومی شهرداری چی؟ زمین و جنگل چی؟ چیزی نمونده؟ که صدای دیجیتالی آمد روی خط و گفت: این تماس از طرف بازداشتی بازداشتگاه اوین گرفته شده است و بعد تلفن قطع شد.

اگر برق نیاشد

صرفه‌جویی ۱۰ درصدی

● خبری که چندروز است بسیاری را نگران کرده ماجرای کمبود آب و کمبود برق است. اعلام شد که کمبود آب به مرحله امنیتی نزدیک می‌شود و اگر مردم در مصرف برق تنها پنج تا ۱۰ درصد صرفه‌جویی نکنند، امکان خاموشی نیمی از مصرف‌کنندگان وجود دارد. هرکسی اگر به یاد بیاورد که اگر برق نباشد چه امکاناتی را از دست می‌دهد درباره صرفه‌جویی در برق تلاش‌هایی را انجام می‌دهد. یک روز بدون برق را تصور کنید: تاریکی – حتی در روز روشن – بیشتر آپارتمان‌ها دسترسی به روشنایی طبیعی را ندارند و در میان ساختمان‌های بلند دیگر گیر کرده‌اند. گرمای شدید به علت عدم امکان استفاده از وسایل سرمایشی. عدم ارتباط با دنیا به علت قطع‌شدن مودم. عدم امکان استفاده از وسایل ارتباط جمعی نظیر لپ‌تاپ، تبلت، تلویزیون و... اگر شارژ تلفن همراه هم تمام شود که ارتباطات قطع می‌شود، اما اگر بتوانیم مانند همان تبلیغ مشهور سالیان قبل چراغ‌های اضافی را خاموش، لوازم کهنه و قدیمی را به‌روز و سیم‌کشی‌های داخلی را بررسی کنیم شاید هیچ‌کس این لحظات سخت را تجربه نکند.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۶ • ۱۶ شوال ۱۴۳۸ • ۱۱ جولای ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۰۸ • صفحه ۵۸ • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۸

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

نسل جدید دوربین ها تخلف رانندگان در پشت فرمان خودروها را ثبت می کند



دوربین سیاه

هیولای خفته بر فراز برلین

مهزاد الیاسی

اتحادیه اروپا به کا خروج انگلستان اوضاع روه‌راهی ندارد، بدون آلمان بی‌معنی است. آلمان مدت‌هاست که کشور‌های ضعیف‌تر اتحادیه اروپا را همراه خود، به نیش می‌کشد و با وجود مخالفت‌ها، سیاست پذیرش مهاجران را پیشه کرده است. برلین که باشی می‌فهمی چرا. این شهر می‌داند؛ چون شاهد است که چگونه برلین و مردم برلین همیشه شرقی و غربی خواهند ماند. دیواری که شهر را دو نیم کرده بود، به ظاهر سه دهه پیش تخریب شده، اما هنوز در روح و جسم شهر و مردم حضور دارد و احتمالاً هیچ‌وقت کاملاً محو نخواهد شد. آنها می‌دانند یک دیوار بتونی چه کارهایی می‌تواند بکند. آنها فهمیده‌اند میل بشر برای حذف‌کردن می‌تواند به فاجعه‌ای بینجامد که تا نسل‌ها در روح جمعی آدم‌ها باقی بماند. برلین چه‌زایی زیادی می‌داند. بی‌دلیل نیست ویم وندرس در فیلم «بهشت بر فراز برلین» به فرشته‌های روی ساختمان‌های بلند این شهر جان می‌بخشد و می‌آوردشان روی زمین کنار مردم. فرشته‌ها واقعا



آنجا هستند؛ در شمایل مجسمه‌های غول‌پیکری که از بالای ساختمان‌ها، به رهگذارن شهر برلین خیره شده‌اند، جنگ جهانی‌ها را دیده‌اند، ناظر بتون‌های سیمانی دیوار برلین بوده‌اند، صدای چکش و بمب‌های فرودآمده را شنیده و اراده برلین به قدرت را حس کرده‌اند.

کوته‌فکرانه است اگر فکر کنیم برلین فقط یک شهر آلمانی است، این شهر، شهر کل بشر است، تمام احساسات متضاد، آرزوها، حسرت‌ها، دردها، شادی‌ها، دلخوشی‌ها، قدرت‌طلبی و ضعف انسان‌ها را در خود دارد. پارک بزرگ جنگلی وسط شهر حسرت دوران طلایی زندگی انسان در طبیعت است و ساختمان‌های مرتفع مدرن، تلاش جاه‌طلبانه‌اش برای خدایی‌کردن. تجربه عبور از دروازه براندنبورگ باید هم از یک انسان هیتلر بسازد؛ بنابراین برلین هر‌جا که بتواند، ماندن در حد و حدود جایز قدرت‌طلبی را با نشانه‌های جنگ به تو پیدا‌آوری می‌کند؛ از قبر‌های نمادین کشتار یهودیان در وسط شهر گرفته تا اسامی کشته‌شدگان جلوی در خانه‌ها، عدم تمایل عمومی

مسئله امروز جامعه ما دیگر حضور مردم در پای صندوق‌های رای و شرکت در امر مهم انتخابات نیست، چراکه به نظر می‌رسد، در سال‌های اخیر، سطح آگاهی مردم بیش از قبل شده و این موضوع تضمینی برای حضور گسترده آنها در پای صندوق‌های رای است. با چنین پیش‌فرضی، آنچه امروز به‌عنوان مسئله مطرح است، حمایت از رأیی است که مردم در بیست‌ونهم اردیبهشت به صندوق‌های رای ریختند و آقای روحانی را به‌عنوان نماینده خود در قوه اجرایی کشور انتخاب کردند. آنچه در این سال‌ها به افزایش آگاهی جامعه و نوعی حیات تازه سیاسی منجر شده است را می‌توان در فرایند مقایسه دانست. امروز مردم بیش از قبل در جریان واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی اطراف خود هستند و از این رهگذر این امکان را یافته‌اند که

فرهاد توحیدی: فضای انتخابات اخیر به‌گونه‌ای بود که اصلی‌ترین برنامه کاندیداهای ریاست‌جمهوری حول محور اقتصاد می‌چرخید و آن‌طور که به یاد دارم در مناظره‌ها نیز بیشتر درباره مسائل معیشتی، اشتغال‌زایی و... سخن به میان آمد تا درباره روز‌های پس از انتخابات. اما اکنون که انتخابات به پایان رسیده و رقابت تمام شده است، حفظ یکپارچگی ملی و معطوف‌شدن به چالش‌های اصلی کشور آن‌قدر در روز‌های انتخابات حامی رئیس‌جمهور منتخب بوده‌اند یا نه، اکنون مایل‌اند با حمایت از آقای روحانی، به مسئولان این نکته را یادآوری کنند که مشکلات جامعه در بخش‌های مختلف اقتصادی، معیشتی و فرهنگی، آن‌قدر جدی است که جایی برای دعواهای گروهی و جناحی باقی نمی‌ماند. از این زاویه، می‌توان حمایت‌های مردمی که اخیراً و پس از برگزاری انتخابات،

به مقایسه برخی مسائل دست یزنند و خدمتگزاران خود را در بخش‌های مختلف کشور بیشتر از قبل بشناسند. آنها این فرصت را یافته‌اند که بیش از قبل از وقایعی که در پیرامونشان اتفاق می‌افتد باخبر شوند و چندوچون آن را در محک تجربه و مقایسه قرار دهند که این فرصت کمی نیست و به آنها این امکان را می‌دهد که بر اساس همین مقایسه دست به انتخاب بزنند و به افرادی رای دهند که آینده سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور برایشان اولویت اصلی قلمداد شود. بر همین‌اساس، مردم رای‌دادن را به‌عنوان یکی از راه‌های رسیدگی به مطالبات و نیاز‌های خود و تحقق نظرات و آرایشان در متن جامعه باور کرده‌اند و نمی‌خواهند این روند تنها محدود به حضور در پای صندوق‌های رای شود. حمایتی را که پس از انتخابات بیست‌ونهم اردیبهشت‌ماه و هم‌زمان با هتاک‌ی و بی‌حرمتی به منتخب مردم آغاز شد می‌توان از همین زاویه مورد بررسی قرار داد. آقای روحانی نیز در پیام‌ها و سخنرانی‌های پس از انتخابات، از اینکه جامعه تا این میزان به بلوغ سیاسی رسیده که رای را تکیه‌گاه خود در

حیات فکری تازه در ایران

منش سیاسی و اجتماعی برگزید، تشکر کرده و آن را یکی از موفقیت‌های ایران در سال‌های اخیر دانسته‌اند. براین‌اساس، افرادی که با این موفقیت زاویه دارند و به‌عنوان یک حیات سیاسی تازه ادامه پیدا کند. چنین است که این روند حمایت‌گرایانه را می‌توان حرکت جامعه در مسیر تولید یک سرمایه اجتماعی مهم دانست که اهمیت بالایی در معادلات سیاسی کشور دارد. اگر رئیس‌جمهور بعد از مراسم تحلیف، به اجرای برنامه‌هایی بپردازند که وعده آن را بیش از انتخابات داده بودند، اگر در اجرای اصل سوم قانون اساسی که حمایت از آزادی بیان، قلم و اجتماعات است، بکوشند، این سرمایه اجتماعی، تا سال‌ها می‌تواند به‌عنوان یک ارزش در بطن جامعه ما به حیات خود ادامه دهد.

حمایت

امتداد «تدبیر و امید» با مردم

مسئله فرهنگ، آغاز دولت دوازدهم بی‌تردید با تلاش برای رفع مسائل فو‌تی و فوری کشور در حوزه معیشت نیز همراه است و این دو چالش جدی، رای‌دهندگان را بر آن داشته که پس از انتخابات، در صحنه بمانند و خواهان پایان‌دادن گروه‌ها به منازعات داخلی و شروع سریع روند توسعه کشور براساس همدلی و آشتی ملی باشند. چنان‌که بر همگان روشن است، پس از آنکه مردم با حضور در پای صندوق‌های رای نشان دادند که از درجه بالای مسئولیت‌پذیری نسبت به آینده کشور خود برخوردارند، حالا وقت آن رسیده که از نمره آن حضور پرشور بهره‌مند شوند. چنین بهره‌مندی‌ای جز از طریق تعادل و تعامل و برقراری آرامش در کشور به وجود نمی‌آید. اگر در نتیجه چنین منازعاتی، شاهد بروز مشکلاتی در سپهر سیاست داخلی کشور باشیم؛ همانا پذیرفته‌ایم که یکی از چالش‌برانگیزترین حوزه‌های کاری امروز که حوزه فرهنگ است با نگاه امنیتی مواجه خواهد شد که نه مردم خواستار آن هستند و نه اهداف دولت منتخب چنین است.



کنسرت سنتی و محلی

وثره بانوان

کالیوه

خوانندگان : زهره کدخدازاده – زهرا محمدی

سرپرست و نوازنده دف : سارا احمدی

۲۶ و ۲۷ تیرماه

فرهنگسرای نیاوران

ساعت ۲۱



سنتور : هستی خرمی نژاد
کمانچه : مهشاد هاتف
تار : مینا احمدی
تارباس : پریا علیاری

www.iranconcert.com

تهیه بلیط: آموزشگاه موسیقی کالیوه (هنر آوران) ۰۲۱-۶۶۹۶۰۴۳۸-۶۶۹۶۰۴۴۳-۰۹۱۹۷۱۶۰۰۸